

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۰۹

نویسنده: محمد حسن سوادین «Mohamad Hasan Sweiden»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

بایدن و نتانیاہو: متحد در هدف، تقسیم بر اساس ستراتیژی

منبع و تاریخ نشر: کربدل «2024-04-05»

Biden and Netanyahu: United in goal, divided by strategy

اهداف جو بایدن، رئیس جمهور امریکا در غزه، با اهداف تل آویو هماهنگ است. اما اجرای این اهداف توسط بنیامین نتانیاہو، نخست وزیر اسرائیل، به شدت با منافع ایالات متحده در تضاد است و قدرت نرم آن را در سایر نقاط منطقه تضعیف می کند

US President Joe Biden's goals in Gaza align with Tel Aviv's. But Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu's execution of these objectives is heavily clashing with US interests, undermining its soft power elsewhere in the region..



بایدن و نتانیاہو

جو بایدن، رئیس جمهور امریکا ماه گذشته در مصاحبه با ام اس ان بی سی موضع قاطع نا دری را در برابر متحد سرسخت اسرائیلی خود اتخاذ کرد و تاکید کرد که تهاجم ارتش اشغالگر به رفح - بدون برنامه ای متمرکز بر غیرنظامیان - از «خط قرمز» عبور خواهد کرد. او سپس با تأیید حمایت بی دریغ واشنگتن از تل آویو و قول اینکه هرگز «اسرائیل» را ترک نخواهد کرد، با هشدار خود مقابله کرد.

شرکت رادیو تلویزیون اسرائیل به نقل از منابع سیاسی ناشناس گفت که تماس تلفنی بایدن و نتانیاہو در 4 آوریل "سخت تر از حد انتظار بود." کاخ سفید گفت که لحن تند بایدن در طول این تماس منعکس کننده "سرخوردگی فزاینده" از عدم همکاری تل آویو در حفاظت از غیرنظامیان است. این تناقض در کلام و رفتار، معضلی را که کاخ سفید در تعامل با بنیامین نتانیاہو، نخست وزیر اسرائیل با آن مواجه است، برجسته می کند. شما نمی توانید آن را به هر دو صورت داشته باشید. در حالی که ایالات متحده قصد دارد سیاست های تهاجمی نتانیاہو را - حداقل برای

د پائو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تلسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پزوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

مصرف عمومی - تعدیل کند، اما به دنبال این است که این کار را بدون تضعیف ثبات دولت ائتلافی افراطی او انجام دهد.

به طور خلاصه، هر کلمه در اطلاعیه های عمومی ایالات متحده برای متعادل کردن این خط ظریف سنجیده می شود. پس از دیدار مجازی بین جیک سالیوان مشاور امنیت ملی و مقامات اسرائیلی در 1 آوریل که شامل گفتگو در مورد تهاجم پیشنهادی اسرائیل به رفح بود، در بیانیه کاخ سفید صرفاً اشاره شد: «دو طرف در طول دو ساعت، تعامل سازنده در مورد رفح. آنها توافق کردند که هدف مشترکی برای شکست حماس در رفح دارند.

در 26 مارس، یک جلسه توجیهی وزارت دفاع اسرائیل فاش کرد که لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده "این دیدگاه را بیان کرد که گردان های باقی مانده حماس در رفح باید برچیده شوند، که این یک هدف مشروع است که ما در آن شریک هستیم." وی افزود: رفح نباید پناهگاه امنی برای حماس باشد. هیچ کجای غزه نباید باشد.» با اطمینان می توان از این اظهارات بی مزه نتیجه گرفت که یک نشست ذهنی بین دولت بایدن و دولت نتانیاها بر سر اهداف جنگ وجود دارد. از زمان آغاز خصومت ها، ایالات متحده به طور فعال با فرآیندهای تصمیم گیری اسرائیل همکاری کرده و از همسویی با اهداف استراتژیک اطمینان حاصل کرده است. مقامات بلندپایه ایالات متحده از جمله بایدن، آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه و آستین وزیر دفاع امریکا در جلسات کابینه جنگ اسرائیل شرکت کرده اند. سه روز پس از آغاز سیل الاقصی، بایدن به وضوح بیان کرد که ما در کنار اسرائیل هستیم. ما در کنار اسرائیل هستیم. و ما مطمئن خواهیم شد که اسرائیل آنچه را که برای مراقبت از شهروندانش، دفاع از خود و پاسخ به این حمله نیاز دارد، دارد."

نتش ها با تل آویو افزایش می یابد .

علیرغم این دیدگاه استراتژیک مشترک، تحولات اخیر اختلافات در حال ظهور بین نتانیاها و بایدن را برجسته کرده است. تفاوت ها حول روش های مورد استفاده برای حفاظت از امنیت و آینده اسرائیل است. هسته اصلی اختلاف را می توان به شرح زیر خلاصه کرد

دولت بایدن مسیر عادی سازی را، همانطور که در توافقنامه آبراهام در دوران ترامپ در سال 2020 تعیین شده است، به عنوان یک فرصت تاریخی برای تقویت صلح منطقه ای می داند که جواهری در تاج آن توافق عادی سازی عربستان و اسرائیل است.

بلینکن، در جریان سفر به عربستان سعودی، هشدار داد که عملیات نظامی جاری در غزه ممکن است چشم انداز عادی سازی عربستان و اسرائیل را که یک منافع استراتژیک اصلی برای تل آویو در سطح منطقه است، به خطر بیندازد. «تقریباً همه کشورهای منطقه می خواهند اسرائیل را ادغام کنند، روابط خود را با آن عادی کنند و «واقعیت کمک به اسرائیل برای حفاظت از آن است. اما این امر به ویژه مستلزم ایجاد یک کشور فلسطینی است و همچنین به طور طبیعی مستلزم پایان دادن به عملیات نظامی در غزه است.

یک کشور فلسطینی البته برای ائتلاف نتانیاها، افراطی ترین دولت در تاریخ کوتاه اسرائیل، تنفر است. اما نگرانی های ایالات متحده در مورد احتمال جنگ در غزه منجر به یک جنگ منطقه ای گسترده تر می شود، جنگی که ایالات متحده مجبور خواهد شد برای محافظت از متحد شهرک نشین-استعماری خود وارد آن شود.

از دیدگاه واشنگتن، هویت اسرائیل به عنوان یک «موجود کارکردی» مهم است زیرا اهداف ژئوپلیتیک ایالات متحده در منطقه را برآورده می کند. برعکس، نتانیاها و جناح راست اسرائیل هویت اسرائیل را به عنوان یک دولت-ملت یهودی در اولویت قرار می دهند. این واگرایی در مواجهه با تهدیدات وجودی زمانی آشکار می شود که هویت ملی بر نقش های عملکردی سایه افکنده و خطرات بیشتری را برای اسرائیل نسبت به ایالات متحده ایجاد می کند.

منافع منطقه ای و سیاست داخلی

اما بحران فاجعه بارانسانی در غزه اکنون توانایی ایالات متحده را برای ارائه حمایت بین المللی از ادامه جنگ اسرائیل را محدود کرده است، با اقدامات نتانیاها که وضعیت را تشدید کرده و شهرت "حامی حقوق بشر" ایالات متحده در سراسر جهان را از بین برده است.

در ماه های اخیر، واشنگتن مجبور شده است لفاظی هایی را اتخاذ کند که بر لزوم پایداری اسرائیل به قوانین بین المللی و حمایت از غیرنظامیان تاکید کند. اما در عین حال به حمایت از دولت اشغالگر با تمام ابزارهای لازم برای کشتن مردم غزه ادامه می دهد.

کاملاً روشن شده است که علیرغم نقض مداوم قوانین، هنجارها و کنوانسیون های بین المللی توسط اسرائیل، ایالات متحده به ارائه و حتی افزایش حمایت نظامی قابل توجه از اسرائیل ادامه می دهد - در حالی که سایر متحدان تل آویو در فکر توقف انتقال سلاح به ارتش اشغالگر هستند .

به هر حال اعمال، بلندتر از کلمات صحبت می کنند.

افکار عمومی ایالات متحده مخالفت فزاینده ای را با جنایات جنگی اسرائیل در غزه منعکس می کند، نظرسنجی های اخیر نشان می دهد که اکثریت امریکایی ها با وحشیگری های ارتش اشغالگر مخالف هستند. نظرسنجی گالوپ که بین 1 تا 20 مارس انجام شد نشان می دهد که 55 درصد از پاسخ دهندگان امریکایی مخالفت اقدام نظامی اسرائیل در نوار غزه هستند که 10 درصد نسبت به نظرسنجی های نوامبر افزایش یافته است.

به طوراساسی، این احساسات عمومی حاکی از ناهماهنگی فزاینده بین اقدامات دولت ایالات متحده و ترجیحات رأی دهندگان است، با کاهش محبوبیت بایدن در نظرسنجی های داخلی.

همزمان، نظم جها نی «مبتنی بر قواعد» تحت تسلط ایالات متحده در معرض آتش شدید دشمنان همتا مانند روسیه و چین قرار می گیرد که از بازگشت به قوانین بین المللی دفاع می کنند. حمله وحشیانه اسرائیل به غزه با آنچه واشنگتن دهه ها درباره «قوانین» خود موعظه کرده است، در تضاد است.

تل آویو صراحتاً قطعنامه الزام آور 2728 شورای امنیت سازمان ملل متحد را که آتش بس در ماه مبارک رمضان را تصریح می کند، نادیده گرفته است و متهم به نقض کلیه قوانین بشردوستانه بین المللی است.

دولت نتانیاهو مسئول کشتار دسته جمعی ده ها هزار غیرنظامی در غزه - که دو سوم آنها زن و کودک بودند - است که اسرائیل را برای اولین بار به اتهام نسل کشی به دادگاه بین المللی دادگستری (ICJ) کشاند. او سپس با هدف قرار دادن کنسولگری ایران در دمشق، سوریه، در تاریخ 1 آوریل، کنوانسیون وین 1961 در مورد روابط دیپلماتیک را نقض کرد.

مبارزه نتانیاهو برای بقا

چندین دلیل اساسی نتانیاهو را به حمایت، مقابله و حتی نادیده گرفتن مواضع بایدن سوق می دهد. هسته اصلی آینده سیاسی نامشخص نخست وزیر اسرائیل است: او کاملاً آگاه است که توقف جنگ بدون کسب پیروزی های استراتژیک که به سرمایه سیاسی تبدیل می شود، میراث سیاسی او را ویران می کند و او را از 7 اکتبر متحمل می شود.

نتانیاهو در مواجهه با گزینه های محدود، رویارویی را انتخاب می کند و تا انتخابات آینده امریکا در نوامبر دوام می آورد.

برای اسرائیل، خطرات در جنگ جاری به طور قابل توجهی بیشتر از ایالات متحده است، زیرا مقامات ارشد تل آویو به طور گسترده آن را به عنوان یک تهدید وجودی می بینند. این دیدگاه حتی کسانی را در جامعه اسرائیل و ارتش جنگ طلب آن که ممکن است لزوماً با سیاست های نتانیاهو هماهنگ نباشند، تحریک می کند.

محور مقاومت نتانیاهو رد راه حل دو کشوری است. او حمله به رفح را تاکتیکی برای دور زدن مذاکرات با حماس یا تضعیف موقعیت چانه زنی جنیش می داند. نکته مهم این است که نتانیاهو قصد دارد از تفسیر پایان جنگ به عنوان گامی به سوی تشکیل دولت فلسطین جلوگیری کند و به درستی درگیری را به عنوان یک مبارزه آزادی بخش فلسطینی ها معرفی کند.

در همین حال، کاخ سفید به مسیر غیرممکن خود برای متعادل کردن فشار بر نتانیاهو با تعهد آشکار به منافع امنیتی اسرائیل، از جمله شکست حماس، ادامه می دهد. نتانیاهو در دستکاری این وضعیت به نفع خود، برای اطمینان از برآورده شدن منافع اسرائیل، روایت را تغییر می دهد، با نگاهی دقیق به اینکه چگونه این وضعیت از نظر سیاسی در داخل برای او انجام میشود.

ارزیابی مجدد

تفا سیر از هر دو گوشه اسرائیل و ایالات متحده شروع به روشن کردن مسیر احتمالی خاردار پیش رو کرده است. همانطور که Doron Matza اخیراً در روزنامه اسرائیلی Maariv نوشت: در آینده نزدیک، کمک های ارسالی به اسرائیل کاهش و محدود خواهد شد و در کنار آن مشروعیت بین المللی، ناگفته نماند که از فرسایش پیمان ابراهیم و چالش هایی که دشمنان اضافی در انتظار ساعت صفر هستند تا سیل هفتم اکتبر را به تبدیل کنند. یک فاجعه گسترده تر و بزرگتر.

جان هافمن در فارین پالیسی انتقادی کوبنده می افزاید و ساختار روابط امریکا و اسرائیل را زیر سوال می برد: «این رابطه ویژه به نفع واشنگتن نیست و منافع ایالات متحده را در سراسر جهان به خطر می اندازد»

زمان آن فرا رسیده است که ایالات متحده روابط خود با اسرائیل را دوباره تنظیم کند. این در مورد تبدیل اسرائیل به یک دشمن نیست، بلکه در مورد تعامل با آن است، همانطور که واشنگتن با هرکشور دیگری - با فاصله سنجیده و عمل گرایی انجام میدهد.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله: محمد سویدان محقق مطالعات استراتژیک، نویسنده برای پلتفرم های مختلف رسانه ای و نویسنده چندین پژوهش در زمینه روابط بین الملل است. تمرکز اصلی محمد بر روی امور روسیه، سیاست ترکیه و رابطه بین امنیت انرژی و ژئوپلیتیک است.

با تقدیم احترامات «07-04-2024»